

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ فبروری ۲۰۱۸

اینهمه تدارک برای چه؟؟

۱

دوشنبه- ۲۳ دلو ۱۳۹۶- کابل: در این روز ها از هر کوچه و بازاری که گذر می کنیم و به هر رادیو و تلویزیونی که گوش می دهیم، در همه جا و همه خبر از تدارکات گسترده "باندارگ" در یک سو و "جمعیت اسلامی" و "معلم عطاء" در سوی دیگر می دهند. اهمیت این تدارکات زمانی دو چندان می گردد که بدانیم، "باندارگ" و در رأس آن "غنی احمدزی"، تا همین چندی قبل به دستور بادرانش چشم دیدن فوسیل های جهادی را نداشته و سایه آنها را به سنگ می زد. اکنون که مجدداً دست به دامان آنها دراز نموده، باید ببینیم که علت آن چه می باشد.

به همین منظور طی سلسله حاضر کوشش خواهم نمود تا درک خودم را از تمام فعل و انفعالات اخیر با تکیه به برخی اخباری که درز می نماید، بنگارم:

۱- اولین مسأله از نظر من که به نحوی برد "باندارگ" به خصوص شخص "غنی احمدزی" را در مناقشات کنونی بازگو می نماید، فرستادن "حنیف اتمر" و "معصوم ستانکزی" به حیث نماینده با صلاحیت "باندارگ" در تمام جلسات و مذاکرات حل مشکل می باشد.

این ترکیب نمایندگی به دلیلی از اهمیت برخوردار است که اگر فراموش ننموده باشید، تا قبل از آغاز مذاکرات تقریباً از طرف تمام مخالفان "باندارگ" یکی از اولین خواستهای آنها برکناری این دو نفر بود. "غنی" با انتخاب این دو تن به نمایندگی از خودش، اولاً طرفهای مقابل را در یک حیای حضور گیر آورده، این خواست را قبل از مذاکره منتفی اعلام می دارد، ثانیاً با شرکت آن دو نفر در هیأت مذاکره کننده، به صورت عملی مواضع خود را بر طرف مقابل می قبولاند.

۲- تدارکاتی که از جانب "باندارگ" گرفته می شود در گام نخست صحبت با به اصطلاح رهبران جهادی که من همیشه آنها را فوسیل های جهادی نامیده ام، می باشد. صحبت با فوسیل های جهادی آنهم از طرف فردی مانند "غنی" که به دستور ارباب می خواست تا آخرین فرد آنها را از حاکمیت برکنار نموده، نقش آنها را در نیروهای مسلح و امنیتی مطلقاً به صفر ضرب بزند، چیز بیست که می باید در عقب آن سیاست های کلانتری مخفی شده باشد. از جمله این دیدار ها، در ذیل به چند نمونه مراجعه می نمائیم:

الف: دیدار "غنی احمدزی" با "سیاف" هم خون و تبارش که هر دو به شاخه "غلجائی" قوم پشتون تعلق دارند، یکی از نکاتیست که باید مورد دقت بیشتر قرار گیرد. زیرا خلاف "غنی احمدزی" که انسانیت فرصت طلب و پراگماتیست،

"سیاف" یک تن از متحجرین اصلاح ناپذیر اردوگاه اسلام سیاسی است، که سخت از "غنی احمدزی" ناراض می باشد. علت نارضایتی خلف وعده ایست که "غنی احمدزی" با "سیاف" نموده است. "غنی احمدزی" در دور دوم انتخابات به "سیاف" قول داده بود که اگر به قدرت برسد، نظام قضائی افغانستان را در اختیار وی قرار می دهد. مگر وقتی به قدرت رسانده شد، به مانند سایر وعده ها، نه تنها وعده اش را با "سیاف" زیر پای نمود بلکه با تحریک برخی ها علیه "سیاف" و بستن اتهام "زمین خواری" در پغمان و حمله بر متحد نزدیک "سیاف" یعنی "اسماعیل خان" دروازه آشتی با "سیاف" را مسدود ساخت. روی همین دلیل بود که "سیاف" در شکل دهی "شورای حراست و ثبات" که در واقع اولین اوپوزیسیون رسمی و متشکل "باندارگ" بود، نقش بیشتر و تعیین کننده، ایفاء نمود.

اینک وقتی "غنی احمدزی" دست دوستی به جانب "سیاف" دراز می کند و به تعقیب آن "سیاف" به عربستان فرستاده می شود، باید منتظر بروز حوادث و وقایعی شد که در صورت عادی امکان وقوع آن زیاد محتمل نیست. باید از خود پرسید:

"غنی احمدزی" از "سیاف خروت" چه می خواهد؟ وحدت شاخه غلجائی ها؟ برای چه و علیه کدام قوم و یا اقوامی؟ تأیید سیاست های خودش علیه "جمعیت اسلامی" و یا در کل با تشکیل "شورای قیادی" می خواهد عمر "باندارگ" را طولانی بسازد؟ در این میان عربستان سعودی چه نقشی به عهده خواهد گرفت، اقتاع "سیاف" و یا تأدیب و زندانی ساختنش؟

دیده شود چه می شود!!

ادامه دارد